



The Standing of Homeric Epics in Recounting the Religious Tradition of Ancient Greece

Camellia Talei Bafghei*

PhD student in Philosophy of Art, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Article Info ABSTRACT

Article type:

**Research
Article**

Received:

11/04/2022

Accepted:

11/06/2022

Homer's Iliad and Odyssey can be recognized as the transitional stage between the oral period of the Ancient Greek religions and its written period when the Greek myths –that indicate a polytheistic religion– were recorded and organized with the assistance of the mind and the imagination of a myth-making poet who attempted to find befitting answers to the questions of the man inhabiting the ecosystem of Ancient Greece regarding religion, relation between mortals and immortals, and also social and ethnic ethics. Although many works are available today to study the religion of ancient Greece, but there is no doubt that these two systems are excellent works in this field, whose religious and moral imagery and the Olympian gods have recorded and immortalized the mythical peoples of ancient Greece in the form of epic poems . This study intends to seek the place of religion in Homer's epic poems by a descriptive-analytical approach. The result of the research shows that although there is no word in Ancient Greek that precisely refers to the meaning of religion word as of today means, Homer considered Greek religious traditions in the Iliad and the Odyssey. The Gods in Homer's poems and the sectarian Gods are very similar, especially in the case of their name and their depiction. However, the description of deeds and events regarding Olympian Gods and heroes in Homer's poem is entirely derived from a mind accustomed to myth and fantasy. It is beyond the sectarian activities that are discovered in ancient Greece. The purpose of these two books is to create interaction between Achaeans, teach the constructive habits of moral behaviors, and express the virtuous that had the highest values for the Athenian culture and audience. In fact, while Homer metaphorically glorifies the values and the ideologies of a social-heroic system, he implicitly creates his poems in an action-illustration genre and in the moral context that is the first thought and experiences of the ancient Greeks in contemplation and politics.

Keywords: Religion, Ancient Greece, Homer, *Iliad*, *Odyssey*.

Cite this article: Talei Bafghei, Camellia. (2022). The Standing of Homeric Epics in Recounting the Religious Tradition of Ancient Greece. *The Quarterly Journal of Western Philosophy*. Vol. 1, No.1, pp. 35-50.

DOI: 10.30479/wp.2022.17108.1010

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



* E-mail: taleic@yahoo.com

جایگاه چکامه‌های هومر در نقل فرادش دینی یونان باستان

کاملیا طالعی بافقی*

دانش آموخته دکتری فلسفه هنر، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	<i>ایلیاد</i> و <i>اودیسه</i> هومر را می‌توان مرحله گذر از دوره شفاهی دین یونان باستان به دوره کتبی و نظام‌مند شدن اسطوره‌های یونانی که معرف دین چندخدایی است، به پایمردی ذهن و خیال اسطوره‌پرداز چکامه‌سرایی دانست که می‌کوشید برای پرسش‌های انسان‌سکنی‌گزیده در زیست‌بوم یونان باستان در زمینه دین و نسبت میرندگان با جاودانان و نیز اخلاق اجتماعی و قومی، پاسخ‌هایی درخور بیابد. اگرچه امروزه آثار متعددی پیرامون تحقیق در دین یونان باستان در دست است، اما بی‌تردید این دو منظومه، آثاری ممتاز در این حوزه هستند که فرادش دینی و اخلاقی و خدایان المپی مردمان اسطوره‌پرداز یونان باستان را در قالب چکامه‌های حماسی، ثبت و جاودان کرده‌اند. از این رو، این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی جایگاه دین در سروده‌های حماسی هومر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه یونانیان واژه‌ای که دقیقاً به معنای دین امروزی باشد، نداشتند، ولی هومر در <i>ایلیاد</i> و <i>اودیسه</i> به سنت مذهبی اقوام باستان یونان نظری داشته است. خدایان اشعار هومر و خدایان فرقه‌ای در بسیاری از موارد همچون اسامی و شمایل‌نگاری، با هم یکسان هستند و هم‌پوشانی دارند، اما توصیف‌هایی که در هر دو منظومه از اعمال و کردار خدایان المپی و قهرمانان، وقایع و اسباب و معادلات آنها ارائه می‌گردد، کاملاً برآمده از ذهنی خوگرفته با اسطوره و خیال، و فراتر از فعالیت‌های فرقه‌ای شناسایی شده در یونان باستان است. هدف دو منظومه ایجاد تعامل میان آخاییان، آموزش عادات سازنده رفتار اخلاقی و بیان فضیلت‌هایی است که بالاترین ارزش را برای فرهنگ و خواننده آتني داشته باشد. در واقع، هومر در عین اینکه به‌طور استعاری از ارزش‌ها و ایده‌آل‌های یک نظام اجتماعی-قهرمانی تجلیل می‌کند، به‌طور ضمنی فضای نوشتاری خود را با ژانر اکشن-مصور و اندیشه اخلاقی تعریف و تبیین نموده که نخستین تدابیر و تجربه‌های ذهنی یونانیان باستان در اندیشه و سیاست بوده است.
دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲	
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱	
	کلمات کلیدی: دین، یونان باستان، هومر، <i>ایلیاد</i> ، <i>اودیسه</i> .

استناد: طالعی بافقی، کاملیا، (۱۴۰۱). «جایگاه چکامه‌های هومر در نقل فرادش دینی یونان باستان». *فصلنامه فلسفه غرب*، سال اول، شماره اول، ص ۳۵-۵۰.

DOI: 10.30479/wp.2022.17108.1010



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) - حق مؤلف © نویسندگان.

* نشانی پست الکترونیک: taleic@yahoo.com

۱- مقدمه

ایلیاد هومر یک دایرةالمعارف فرهنگی در ادبیات باستان یونان بود، ابزار تعلیمی که دستورالعملی برای مدیریت روح انسان‌ها، اخلاق و زندگی اجتماعی‌شان تدوین کرده بود. مارشال مک لوهان^(۱) (۱۹۶۷)

هومر (هومروس^(۲))، تلفظ نامش آیولی^(۳) است)، شاعر و سخن‌پرداز بزرگ عصر نوزایی یونان باستان و خالق دو شاهکار حماسی *ایلیاد* و *ودیسه* است. هرچند سیمای او برای برخی در پس حجابی از ابهام و تردید قرار دارد، اما بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است که در قرن هفتم پیش از میلاد، در نقطه‌ای از سرزمین گسترده یونان، شاعری به نام هومر وجود داشته است، زیرا شاعران و نویسندگان مشهور آن دوران همچون آلکن^(۴)، آرکیلوکوس^(۵)، کالینوس^(۶) و تیرتوس^(۷) از او یاد کرده‌اند. حتی سافو^(۸) که در قرن ششم (پ.م) زندگی می‌کرده، نیز وی را می‌شناخته و در انتخاب بحر و وزن و ترکیب شعر، از او تقلید کرده است. به‌زعم برخی، علت محبوبیت و گستردگی کاربرد آرای هومر آن است که

روایت‌های هومری به‌عنوان منبعی مولد برای طیف وسیعی از شیوه‌های تبیین فرهنگی همچون درام تراژیک (برداشت‌های آیسخولوس از مهمانی بزرگ هومر)، هنرهای تجسمی، مجسمه‌سازی، هنر و موسیقی کُر، شعر موسیقیایی یا بزمی، فصاحت و بلاغت، استراتژی سیاسی، پراکسیس آموزشی، پارادایم‌های معماری، کیهان‌پیدایی و فلسفه باستانی، دیالکتیک سقراطی، مابعدالطبیعه افلاطونی و غیره، کاربرد داشته‌اند. (Sandywell,)

(2003: 49)

به باور عده‌ای دیگر، در بحث از «حماسه»، ما صرفاً با آثار ادبی در معنای مدرن آن، یعنی «اثر هنری» مستقل سروکار نداریم، «بلکه با یک نظام فرهنگی مولد روبه‌رو هستیم، یک دایرةالمعارف شفاهی استانداردهای اخلاقی و رفتار اجتماعی که هویت اجتماعی، سیاسی و فکری تمدن کلاسیک یونان و هلنیستی را مشخص می‌نماید» (Havelock, 1963: 319). ناگی، محقق و پژوهشگر در علوم باستان، در این‌باره اذعان می‌کند که روایت حماسی، محرکی برای بازآفرینی ارزش‌های سنتی است. به اعتقاد او، روند چنین روایت‌هایی با طرحی منظم و مشخص انجام می‌گیرد که در مسیر ابداعات و نوآوری‌های فردی منحرف نمی‌گردد و جدای از طرح‌های سنتی آشنا و مدنظر مخاطبان قرار دارد (Nagy, 1996: 42-43).

اگر دیدگاه‌های پژوهشگران را در رابطه با کاربری فرهنگی اشعار هومر مدنظر قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم هومر در دوران تاریک یونان، یعنی حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد، با خلق *ایلیاد* و *ودیسه*، به توصیف جامعه‌ای می‌پردازد که به‌شدت تنزل پیدا کرده و به فقر دچار شده، اما به‌دنبال نوستالژی

دوره‌ای است که قدرت نظامی و رفاه مادی داشته است. از سوی دیگر، *ایلیاد* و *اودیسه* اولین نمونه‌های باقی‌مانده از اشعار حماسی، در مورد جنگ تروا هستند. این در حالی است که تنها ابیاتی از اشعار حماسی دیگر با موضوع مشابه باقی مانده است. به باور گلور، با وجود اینکه از قرن نوزدهم، برخی از ابهامات در مورد تمدن یونانی برطرف شده است، ولی مدارک و یافته‌های جدید نمی‌توانند به‌خوبی شهادی همچون هومر، از آن دوران ارائه دهند، چراکه به‌باور او، هومر نیز همچون شکسپیر، باید تمام مواد و طرح اشعار خود را از عصری که در آن زیسته، گرفته باشد (Glover, 2006: 54-56).

با توجه به این مقدمه اجمالی و نظر به نقش محوری شعر در زندگی فردی و اجتماعی مردمان یونان باستان، نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که دین چه جایگاهی در سروده‌های حماسی هومر دارد؟ برای پاسخ بدین پرسش نخست دین در میان اقوام ابتدایی یونان باستان، سپس دین و اسطوره، و در نهایت، دین در سروده‌های حماسی هومر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که در مورد موضوع تخصصی این پژوهش تاکنون نوشته‌ای منتشر نشده است؛ اگرچه تکنگاری در باب رابطه خدا با انسان، تحت عنوان «نسبت ایزدان و انسان در اندیشه یونانی» (حسنی فر و چیت‌فروش، ۱۳۹۷) وجود دارد که نویسندگانش سعی دارند در رابطه با تأثیر اندیشه الوهی غرب بر اسلام، بین آرای هومر، افلاطون و ارسطو بررسی تطبیقی انجام دهند. به‌رغم اینکه یونانیان واژه‌ای که دقیقاً به معنای «دین» امروزی باشد، نداشتند و مانند بسیاری از جوامع، آن را مقوله‌ای جدا از زندگی روزمره‌شان نمی‌دانستند، اما فهم اندیشه‌های دینی موجود در ادبیات حماسی یونان باستان، همچون *ایلیاد* و *اودیسه*، می‌تواند کمک شایانی به درک فرهنگ و تمدن آن دوران نماید، چراکه پایه‌های مذهب یونان کلاسیک نیز در همان قرن هشتم قبل از میلاد پی‌ریزی شده است.

۳- دین در میان اقوام ابتدایی یونان باستان

به اعتقاد برخی، «دین» واژه‌ای است که با دست‌نوشته‌ای از سیسرو (به نقل از رومیان) مطرح شد. به‌زعم پاول، واژه لاتین «religio» می‌تواند یک نیروی بیرونی، یک احساس درونی، یک آیین عملی، یا حتی یک تابو را تداعی نماید و این واژه هرگز به ترکیبی از باورها، مناسک که واژه مذهب برای ما تداعی می‌کند، اشاره ندارد. او در بررسی واژه «religion» نیز به سه مفهوم اشاره دارد: الف) این واژه از «re-ligo» مشتق می‌شود، به‌معنای «چسبیدن از پشت به کسی، به‌طوری‌که آن شخص قادر به انجام کاری نباشد»؛ ب) این واژه از «re-lego» می‌آید، به‌معنای «تکرار» یک فرمول سحرآمیز تا حدی که مؤثر واقع شود؛ ج) این واژه از «re-linguo» می‌آید، به‌معنی «ترک کردن» به‌شیوه‌ای مخصوص (Powell & Morris, 2014: 123-125).

از منظر عده‌ای دیگر، کلیسای مسیحی این واژه را گرفته و به معنای سیسرویی آن، شکلی جدید داد (Moran, 2010: 146). آگوستین در کتاب ششم شهر خدا، در مورد سه نوع مختلف دین‌شناسی که واررو^(۹)، محقق رومی قرن اول پیش از میلاد، مطرح کرده بود، بحث می‌کند: اول، دین‌شناسی «اسطوره‌ای» یا «فانتزی» که توسط شاعران مطرح شده؛ دوم، دین «طبیعی» که از سوی فیلسوفان ارائه شده؛ سوم، دین «مدنی» که به وسیله شهر و مقامات مذهبی شهر در چارچوب نظام فرهنگی آن اشاعه پیدا می‌کند (Augustine, 1950: 314-315). به اعتقاد واررو «اولین دین به‌طور خاص با تئاتر، دومین آن با جهان و سومین آن با شهر، عجین شده است» (Ibid: 316).

دین یونانیان در بدو امر، پرستش نیاکان (مردگان/ قهرمانان) بوده است. یونانیان، اموات را خدایان زیرخاک می‌خواندند. دوکولانژ معتقد است «روح آدمی بعد از اینکه به مقام خدایی می‌رسید، یونانیان آن را «دِمن»^(۱۰) و «هروس»^(۱۱) می‌خواندند و رومیان آن را «لاریس»، «مانس» و «ژنی‌یوس» نام نهاده بودند» (دوکولانژ، ۱۳۹۷: ۱۳). دِمن و هروس‌های (قهرمانان) مذکر و مؤنث، از افسانه‌ها و حماسه‌ها می‌آمدند و برخی از آنها فقط اعتبار فرقه‌ای-بومی داشتند. قهرمانان اسطوره‌ای کسانی بودند که خدمات فوق‌العاده‌ای را به‌عنوان بانیان شهرها و معابد و نیاکان خانواده‌ها، انجام داده بودند. در واقع، آنها «جنگاوران کشته‌شده در جنگ (چه دوست و چه دشمن)، پادشاهان، ورزشکاران، نویسندگان و شاعرانی بودند که در دنیای مدرن، آنان را با لفظ «قهرمان» خطاب می‌کنیم» (Ekroth, 2007: 104).

نکته مهم دیگر در باب مذهب پرستش مردگان/ قهرمانان این است که آتشگاه، تجلی‌گاه این دین، و خانواده و وضع قوانین اولیه از جمله نتایج آن بوده است. پیشینیان برای ارواح مردگان خود قدرتی مافوق قوای بشری قائل بودند. «آتشگاه همیشه وسیله تذکار یکی از مردگان بوده است، چنانکه با ستایش آتش آن مرده را نیز می‌ستودند و اعقاب خانواده چون از آتشگاه سخن می‌رفت، بی‌اختیار نام نیای خویش را به‌خاطر می‌آوردند» (دوکولانژ، ۱۳۹۷: ۲۲)، اما این دین به شاخه‌های دیگری نیز تقسیم می‌شده است که مهم‌ترین آنها پرستش زئوس، هرا و خدایان المپ در یونان بوده است. پرستش خدایان المپی ریشه در پرستش عناصر طبیعی دارد و پرستش عناصر طبیعت، زمانی شروع شد که یونانیان نسبت به نقش و جایگاه طبیعت در زندگی خود آگاهی پیدا کردند. به اعتقاد گاردنر، یونان کشوری با جغرافیا و آب‌وهوای متغیر است. آب‌وهوای یونان دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های خشک و گرم است؛ تقریباً همیشه نسیم خنک از دریا می‌وزد، به‌طوری‌که هوا فوق‌العاده صاف و جو بلورین است و آسمان و دریایی درخشان دارد. به‌همین دلیل، شگفت‌آور نیست که یونانیان با علاقه‌ای که به طبیعت داشتند، کوهستان‌ها، جنگل‌ها، رودها، آسمان و دریا را سکونتگاه خدایان دانسته‌اند (گاردنر، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۶).

با این‌حال، عناصری که بتوان خدا انگاشت، چندان هم متعدد نبودند، چراکه قوای عمده طبیعت که بشر می‌توانست آنها را خدای خویش بپندارد، عبارت بود از خورشید - که محصول را رشد و نمو

می‌داد - زمین - که محل تولید محصول بود - و ابر، که گاه مفید و گاه زیان‌آور بود. ولی از این چند عنصر، هزار گونه خدای دیگر پدید آمد، چراکه مردم هر عنصری را در صور مختلفه آن، نامی تازه نهادند، مثلاً «خورشید یک جا به نام هراکلس»^(۱۲) یعنی ذوالجلال^(۱۳) و در جایی به نام فوبوس^(۱۴) یعنی تابنده^(۱۵) و در جایی دیگر به نام آپولو^(۱۶) یعنی برطرف‌کننده ظلمت و رنج^(۱۷) موسوم بود. هر کسی در حقیقت خدایان معدودی را ستایش می‌کرد، ولی در ظاهر خدایان هیچ‌کس با خدایان دیگری شباهت نداشت» (دوکولانژ، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۱). آیسخولوس نیز در نمایشنامه آگاممنون به موضوع تعدد اسمای خدایان اشاره می‌کند:

زئوس، زئوس گو هر که هست، باشد
اگر این نام به گوشش خوشایند است
او را به همین نام می‌خوانم.
خاک را و دریا را و هوا را جسته‌ام من
هیچ پناهی نیافتم، مگر او را به تنهایی

(آیسخولوس، ۱۳۹۶: ۵۵)

بر اساس آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که با توجه به خاستگاه خدایان، دین در یونان باستان در دو شکل ظهور دارد؛ در یکی، ارواح آدمیان به مقام خدایی برکشیده می‌شوند و در دیگری، عناصر طبیعت، خیال آدمی را به تصویرگری خدایان راه می‌نمایند. مشخص نیست که از نظر یونانیان در ابتدا کدام یک از این دو مذهب بر دیگری ارجحیت داشته است، ولی این دو، هیچ‌گاه با هم آمیخته نشدند. پژوهشگرانی همچون تور، باور دارند که «یونانیان به‌طور کلی بر اساس رابطه‌ای مشخص و آگاهانه، بین تقسیم‌بندی خدایان شعری و مدنی عمل می‌کردند» (Tor, 2017: 36).

از آنجایی که آغاز ظهور این ادیان در زمانی بود که مردم هنوز اجتماعات خانوادگی داشتند، هر خانواده برای خویش خدایانی قائل شد و آنان را همچون آدمی، در آتشگاه خانه قرار می‌داد تا فقط از او حمایت کنند و بیگانگان را از الطاف ایشان نصیبی نباشد. دین با گسترده شدن اجتماعات یونانی، وسعت بیشتری گرفت و از محدوده خانواده‌ها و آتشگاه‌های خانوادگی، خارج شد و شکل پرستش‌گاه به خود گرفت و برای آن، آیین و مناسک و قربانی مخصوصی در نظر گرفتند. یونانیان به تدریج بر وسعت پرستش‌گاه‌های خود افزودند و آن را به صورت معبد درآوردند. هر شهر یونان برای خدایان حامی خویش عید می‌گرفت و مردم شهر، خدایان را حامیان قدرت‌مند و دخالت آنان را در امور واجب می‌دانستند و بی‌اذن خدایان، هیچ کاری انجام نمی‌دادند. به‌گفته دوکولانژ، حتی در مواقع جنگ نیز دین تأثیر و اقتدار فراوان داشت؛ سپاهی که به جنگ می‌رفت نماینده شهر خود بود و خدایان را همه‌جا با

خود می‌بردند. یونانیان همیشه در جنگ‌ها مجسمه خدایان و معمولاً آتشگاهی همراه داشتند که آتش مقدس شب و روز در آن می‌سوخت و مراسم مذهبی در آن متداول بود (دوکولانز، ۱۳۹۷: ۱۶۷-۱۶۶).

۴- ادغام دین با اسطوره در یونان باستان

دین و اسطوره، صورت‌های رمزی از اندیشه هستند که از طریق کلام و همچنین هنرهای بصری، موسیقی و رقص، ابراز می‌گردند. اگرچه خدایان شعر و خدایان فرقه‌ای در بسیاری از موارد در اسامی و شمایل‌نگاری با هم یکسان هستند و هم‌پوشانی دارند، اما باید بین خدایان فرقه‌ای یونان و خدایانی که نام آنها در نیایش‌ها، جشن‌ها، قربانی‌ها و تمام فعالیت‌های الهگان اشعار هومر، هزیود و تراژدی‌نویس‌های یونان و در کل، ادبیات یونانی یاد می‌شود، تمایز قائل شد. توسعه این دو شاخه به‌طور مستقل توسط شاعرانی همچون هومر، هزیود و سنت شفاهی انجام گرفت و محصول نبوغ یونانی است.

به‌گفته پاول، واژه موتوس^(۱۸) (به‌معنای دهان، سخن گفتن و اسطوره) که عموماً در اشعار یونانی جلوه‌گر شده و با هومر آغاز می‌شود، نه تنها ب‌معنای امروزی آن یعنی «یک داستان تخیلی با درون‌مایه خدایان و موجودات مافوق طبیعی» نزدیک نیست، بلکه معنای گسترده‌تری دارد. به اعتقاد او، معنای امروزی این واژه، برگرفته از مجموعه داستان‌های منشأ/افسانه‌ها^(۱۹) نوشته برنارد دوفونتیل،^(۲۰) در سال ۱۷۲۴ است که در فرانسه به چاپ رسید. پاول معتقد است «اسطوره» ترجمه دقیق‌تری برای واژه «موتوس» است و در ادامه اسطوره‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: اول، اسطوره‌هایی که الهی^(۲۱) هستند، خدایانی که برای آفرینش جهان و فرمانروایی بر آن اهمیت دارند. دوم، روایت‌های قهرمانانه^(۲۲) که درباره قهرمانان و انسان‌های قدیم هستند. سوم، قصه‌های عامیانه (Powell & Morris, 2014: 126-127). بر خلاف پاول، ناگی و سندی ول اسطوره‌ها را برگرفته از ارزش‌های جامعه می‌دانند و به این دلیل آن را راهبر محقق برای شناخت ارزش‌های فرهنگی و هویت قومی و تمایزات اجتماعی و روانی اقوام مختلف می‌شمارند (Sandywell, 2003: 163; Nagy, 1996: 42-43).

البته باید این مطلب را در نظر گرفت که اشعار هومر و هزیود، در عین اینکه به‌طور استعاری از ارزش‌ها و ایدئال‌های یک نظام اجتماعی قهرمانی تجلیل می‌کنند، نخستین تدابیر و تجربه‌های ذهنی یونانیان باستان در عرصه اندیشه و سیاست نیز هستند. در این رابطه ویکتور اهرنبرگ، نفوذ فراگیر ایدئولوژی هومر را وابسته به قدرت برجسته و ماندگار اشرافیت یونانی دانسته و تأکید می‌کند که طبقه اشرافی، با تمام دگرگونی‌های حادث‌شده در تاریخ خود، به‌مثابه نگهبان شعر حماسی هومر عمل نمود. اهرنبرگ دلیل این امر را چنین عنوان می‌کند: «هنگامی که راپیزودی‌ها اجرای این شعر را پذیرفتند، هومر مثل همیشه، مبدل به سرمایه‌ای برای تمام مردم یونان شد. این امر صورت گرفت، چراکه اشراف نفوذ و رهبری خود را در فرهنگ همچون سیاست، حفظ کرده بودند» (Ehrenberg, 1964: 10) و بقای خود را در گرو شعر حماسی هومر می‌دیدند، زیرا یونانیان باستان به‌معنای واقعی کلمه، زندگی اجتماعی خود را

بر مبنای ساختارهای نحوی و روایی این اشعار جامع و دایرةالمعارف‌گونه بنا نموده و بدان عمل می‌کردند. به‌تعبیر ورنر یگر، این موضوع، هومر را به یک «پایدیا»^(۲۳) برای مردم یونان تبدیل کرد (یگر، ۱۳۹۳: ۳۴). هومر بر همه ارزش‌ها و تکالیف نشأت‌گرفته از اسطوره‌های خدایان و نقش مهم خانوار در شکل‌گیری آنها را نیز تأکید دارد؛ اصلی که برای بقای جامعه لازم بود. تاریخ‌نویس برجسته، رویزن، به نقل از م. فینلی در تعریف واژه ایکس^(۲۴) (خانوار) در اشعار هومر، می‌گوید: «ایکس، مرکزی بود که در آن زندگی نه‌فقط با رضایت مادی، بلکه با امنیت، هنجارهای اخلاقی و ارزشی، مسئولیت‌ها و تعهدات و وظایف در ارتباط با خدایان شکل می‌گرفت. ایکس فقط در حوزه خانواده مطرح نبود، [بلکه] در رابطه با ملتی بود که در یک سرزمین با هم زندگی می‌کنند» (Roisman, 2011: 29).

۵- چکامه‌های هومر، خدایان و تعالیم دینی

وجود مذهب و باورهای مذهبی در سروده‌های هومر امری است که مورد ادغان برخی از بزرگ‌ترین پژوهشگران حوزه ادیان است. به‌عنوان مثال، به باور جان ناس، فیلسوف برجسته آمریکایی در حوزه تاریخ فلسفه دین، اشعار هومر در طول قرون و اعصار، در ممالک مغرب‌زمین به‌عنوان بهترین مأخذ برای مذهب یونانیان، مورد قبول خاص و عام بوده و مجموعه خدایانی که هومر ایجاد کرده است، نمونه کامل اعتدال فکر و تناسب اندیشه است (ناس، ۱۳۸۶: ۷۷). اما بعضی دیگر از محققان ادغان دارند که «نه خود هومر و نه شخصیت‌های [اشعار] او، مذهبی نیستند، اما آنها برای پیشبرد اهداف شخصی خود، تا حد ممکن از مذهب و فلسفه بهره می‌برند» (Post, 1939: 166). دیتریچ با زبان و بیان محتاطانه‌تری به این نکته اشاره کرده و معتقد است گرچه تصویر هومر از کیش باستانی و معابد به‌سختی با یافته‌های باستان‌شناسی از یونان باستان تطابق دارد، اما تردیدی وجود ندارد که اولاً، هومر از سنت مذهبی گذشته آگاهی داشته است و ثانیاً، اکثریت اعضای خانواده المپی او، نام‌های مذهبی فرقه‌ها را به خود گرفته بودند (Dietrich, 1979: 137).

در میان فلاسفه برجسته یونان، افلاطون، هومر را آموزگار یونان می‌دانست (Republic: 607a)، اما در عین حال او را همانند شاعران عصر خویش، مورد نقد شدید قرار داد. یانگ به‌درستی در توجیه این کار افلاطون می‌نویسد:

شعر، یعنی بازگویی شعر حماسی و غنایی به‌همراه فستیوال‌های تراژیک، تقریباً کلیت چیزی را می‌ساختند که امروزه آن را «رسانه» می‌نامیم. در یونان باستان شعر همان نقشی را بازی می‌کرد که امروزه رادیو، تلویزیون، فیلم، مطبوعات و اینترنت همگی بازی می‌کنند... بدین ترتیب طرح افلاطون برای سانسور شدید شعر، به‌خصوص شعر تراژیک، حاکی از ترس بود؛ ترس از قدرت رسانه. (یانگ، ۱۳۹۵: ۲۲)

شعر نزد یونانیان رسانه‌ای عامه‌پسند بود و بی‌دلیل نیست که روایت حماسی محرکی برای بازآفرینی ارزش‌های سنتی است.

با این توصیف‌ها، به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بتوانیم تعالیم دینی موجود در سروده‌های هومر را در پرتو آرای محققان، در دو محور جایگاه خدایان و تعالیم دینی و اخلاقی بررسی کنیم.

۱-۵. خدایان در اشعار هومر

خدایان المپنشین هومر که اکثریت اعضای آن، نام‌های مذهبی فرقه‌های قدیمی یونان را به خود گرفته‌اند، برای خود معبد داشتند که به چند مورد از آنها در اشعار هومر اشاره شده است؛ مثلاً آپولو، الهه حامی مردم تروا، هم در یونان^(۲۵) و هم در تروا^(۲۶) معبد دارد. به اعتقاد گراف، «آپولو ... همان قدر که حامی شهر یونان است، چونکه معبد خود را در دلف ساخته است، به‌همان اندازه حامی شهر تروا نیز هست، شهری که در ساختن دروازه‌های آن یاری رسانده است» (Graf, 2009: 26-27). همچنین آتنا هم در تروا و هم در یونان، معبد دارد، ولی بر اساس سروده ششم /یلیاد، در حمایت از یونانیان، دعای مردم تروا را رد کرد (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۲۳۷-۲۳۵)، زیرا مطابق سروده بیست و چهارم /یلیاد، به‌دلیل داوری پاریس، از مردم تروا کینه به دل داشت (همان: ۷۵۵). دیتریش معتقد است به‌جز آتنا و آپولو که دو محبوب هومر هستند، او عبادت‌گاه‌ها و محراب‌های خدایان دیگر، مثل هرا و آرتمیس و تاریخچه مذهبی آنان را نادیده می‌گیرد (Dietrich, 1979: 139).

در اشعار هومر می‌خوانیم که وقتی انسان‌ها درخواستی از خدایان داشتند، قربانی‌هایی نذر خدایان می‌کردند. به‌طور مثال، در ابتدای سروده اول /یلیاد، کریزس کاهن معبد آپولو، از الهه می‌خواهد پاسخ ظلم آخایی‌ها را بدهد و دخترش را از آگاممنون بازستاند و او نیز در عوض، عبادت‌گاه باشکوه و قربانی‌هایی از گاو و بز، نذر الهه می‌کند؛ آپولو هم دعای او را اجابت می‌نماید (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۵۶-۵۷). اما گاهی این قربانی‌ها برای فرونشاندن خشم خدایان بودند؛ به‌طور مثال، آگاممنون دختر کاهن را برمی‌گرداند و برای فرونشاندن خشم آپولو، صد گاو قربانی می‌کند. خدایان یونانی یا قربانی‌ها را می‌پذیرند، یا خطاکاران را به‌شدت مجازات می‌کنند؛ به‌طور مثال، در /ودیسسه گفته شده، سپاهیان آخایی پس از پیروزی در جنگ، قربانی‌هایی به خدایان تقدیم نمودند، ولی از آنجایی‌که معابد و قربان‌گاه‌های خدایان را در تروا نابود کرده بودند، خدایان قربانی‌های آنان را نپذیرفته و بر طبق سنت، زئوس، پوزئیدون و آتنا، ناوگان کشتی‌های یونانی را برای کیفر جنایت آنها در تروا، با طوفان درهم می‌شکنند و حتی افرادی مثل آگاممن و نواولیس که از غضب خدایان جان سالم به‌در بردند، یا در بازگشت با حوادث خونینی مواجه شده یا سال‌ها دچار سرگردانی شدند.

در هر دو منظومه، به‌خصوص در /یلیاد، «هومر شخصیت خدایان را به‌وضوح هرچه تمام‌تر... و متمایز وصف کرده است و آنها را به‌صورت آدمیان خاکی درآورده که دارای صورت و سیرت و همان

کردار و آرزوها هستند» (ناس، ۱۳۸۶: ۸۵)؛ ولی این صفات با اغراق هر چه بیشتر نمایش داده شده است و به‌گفته کالیسیو، الهه دریا در سروده پنجم /ودیسه، «آدمیزادگان هرگز نمی‌توانند در قامت و زیبایی با خدایان هم‌چشمی کنند» (هومر، ۱۳۹۶: ۱۲۳). در این باره نمونه‌های بی‌شماری در هر دو منظومه وجود دارد؛ مثلاً در سروده هیجدهم /یلیاد، هفائستوس (الهه آتش و پسر زئوس و هرا) بر روی سپر آشیل، نقاشی‌ای از جنگاوران و خدایان ترسیم می‌کند، بدین‌گونه که «آرس و آتنا در خط مقدم بودند، هر دو از زر ساخته شده بودند، جامه‌های فروزان پوشیده و همچنانکه سزاوار خدایان است، از زیبایی و بزرگی و جوشن خود نمایان بودند» (همو، ۱۳۹۶ الف: ۶۱۲). آتو معتقد است این «انسان‌گونگی» خدایان در اشعار یونان باستان، یکی از ایرادهای اصلی متفکران باستانی همچون سقراط و افلاطون علیه شاعران (به‌ویژه هومر و هزیود) است، ولی همان‌طور که گوته، شاعر آلمانی، گفته است «مقصود و جهد یونانیان این است که آدمی به خدا شباهت یابد، نه اینکه الوهیت، بشرگونه شود. در اینجا نوعی خداگونگی مطرح است، نه بشرگونگی!» (اوتو، ۱۳۹۶: ۸۲). بنابراین، مسئله انسان‌گونگی خدایان در اشعار هومر به نحوه تجلی آنان بازمی‌گردد. خدایان در هومر، در صورت تمایل، خود را به انسان‌ها باز می‌شناساند؛ به‌طور مثال، هرمس در سروده بیست و چهارم /یلیاد، به‌طور آزادانه با پیام دیدار می‌کند، ولی تمایلی ندارد که خود را به آشیل نشان دهد، چراکه «خجستگی خدایان ایشان را وانمی‌دارد که آشکارا پشتیبان آدمیزادگان باشند» (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۷۷۵).

اما خدایان علاوه بر انسان‌گونگی، به شکل حیوانات نیز در اشعار ظاهر شده‌اند.

در هومر رابطه‌ای میان دنیای حیوانات و خدایان وجود دارد؛ «هرای گاوچشم»^(۳۷) و «آتنا با چشمان جغدمانند»^(۳۸) گاو، قوچ، بز، مار و اسب از نظر آیینی همواره مورد توجه تمدن اژه‌ای باستان بوده است... و شکی نیست که این به عقاید دوره مینوسی‌ها^(۳۹) برمی‌گردد. (Dietrich, 1979: 143)

در /ودیسه، خدایان به‌شکل پرنده نیز تجلی پیدا کرده‌اند، مثلاً در سروده پنجم، شاهد تبدیل هرمس به یک الیکا هستیم (هومر، ۱۳۹۶: ۱۱۷). افزون بر این، در هومر پرنده، هم نماد دستور خدایان و هم خود خدایان است. مثلاً، در سروده دوم /ودیسه، عقاب هم نشانه‌ای از زئوس و هم خود زئوس است (همان: ۳۹).

تصویر دیگری که در سروده‌های هومر از خدایان به‌دست می‌آید آن است که از طرفی، «خدایان به‌وضوح احساس برتری نسبت به بشر... آن‌هم در تمام زمینه‌ها داشتند، اما مداوم به یکدیگر توصیه می‌کردند که به‌خاطر نوع بشر، با هم دعوا نکنند» (Dietrich, 1979: 136). به‌طور مثال، در /یلیاد سروده اول، هفائستوس به مادرش توصیه می‌کند که به‌خاطر انسان‌های میرا، با پدرش، زئوس، مجادله نکند (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۱۹۶)، یا در /یلیاد، سروده بیست و یکم، هرا از پسرش، هفائستوس، می‌خواهد به‌خاطر انسان‌ها،

با الهه رود که حامی مردم تروا است، درگیر نشود و آپولو نیز به همین دلیل از درگیری با پوزئیدون خودداری می‌کند (همان: ۶۸۰-۶۷۶). از طرفی دیگر، در بیشتر موارد، خدایان در کار انسان‌ها دخالت می‌کنند. نمونه‌های چنین کاری در *ایلیاد* زیاد است؛ به‌عنوان نمونه، موزها در سروده اول *ایلیاد*، آپولو را مسئول نفاق بین آخیلوس و آگاممنون می‌دانند (همان: ۵۴)، یا در سروده پنجم، دیونه به آفرودیت می‌گوید، ما انسان‌ها را به جنگ و کشتار با یکدیگر وامی‌داریم (همان: ۱۹۶)، یا در سروده بیست و یکم، آرتمیس دختر زئوس، هرا را مسئول جنگ و برهم زدن آسایش انسان‌ها می‌داند (همان: ۶۸۲). پُست معتقد است تاکنون دلایل زیادی برای موضوع دخالت خدایان شمرده شده، ولی درک اینکه چرا هومر از چنین سیستمی بهره گرفته، بسیار دشوار است (Post, 1939: 170). خود هومر در *ایلیاد*، سروده شانزدهم، آورده است «همواره [خرد] زئوس بر [خرد] آدمیزادگان برتر بوده است، [او] بی‌باک‌ترین جنگاوران را می‌گریزاند و در همان‌دم که وی تازه به جنگ دل داده است، پیروزی را از دستش می‌گیرد» (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۵۴۷).

از اشعار هومر چنین برمی‌آید که نوعی تعامل میان افعال بشری و اراده خدایان وجود دارد، البته این عادت هومر است که بازتاب یک موضوع را به دو صورت نشان دهد: نتیجه دخالت خدایان و نتیجه افعال اختیاری انسان‌ها. به نظر می‌رسد رفتار آزادانه و غیرمسئولانه خدایان در *ایلیاد* و *ودیسه* ممکن است «شیوه شاعر برای نشان دادن عواقب جدی ناشی از عمل انسانی به ابعاد خدایان و انسان باشد. خیانت آفرودیت و آرس به خنده‌ای فرونانشستنی بین خدایان منجر شد، ولی دزدیدن هلن توسط پاریس، به جنگی خونین مبدل گشت» (Dietrich, 1979: 136). در ابتدای سروده اول *ودیسه*، زئوس به چنین موضوعی اشاره می‌کند:

آه! راستی چه نکوهش‌هایی که آدمیزادگان به خدایان نمی‌کنند! و اگر سخنانشان را بشنویم دردهای ایشان از ماست، اما از بی‌خردی ایشان است که بیش از آنچه سرنوشت خواستار آن بود، آزار بردند. (هومر، ۱۳۹۶ ب: ۱۳)

در اشعار هومر، مثال‌های دخالت خدایان در امور انسان‌ها کم نیست، ولی مواردی نیز وجود دارد که خود انسان‌ها کاملاً ارادی، سرنوشت خود را انتخاب می‌کنند و نتیجه عمل خود را می‌بینند. به‌طور مثال، در *ایلیاد*، هنگام دسیسه آتنا در مرگ هکتور، می‌توان کاملاً دخالت خدایان را مشاهده کرد، اما از طرف دیگر، همگان و حتی خود هکتور، قبل از مواجه شدن با آشیل می‌دانست که او شکست‌ناپذیر است، ولی به دلیل جسارت قهرمانانه‌اش، با وجود مخالفت‌های والدینش، عزم مبارزه با آشیل نمود و در این راه جانش را نیز از دست داد. یا در سروده پنجم *ودیسه*، هنگامی که اولیس بر روی تخته‌ای در دریا شناور است، با خود می‌گوید: «دریغا! اگر یکی از خدایان با من حيله دیگری نکند و به من فرمان ندهد از تخته‌بند خود بیرون بیايم! هنوز نمی‌خواهم فرمان‌بردار او شوم» (همان: ۱۳۱).

۲-۵. هومر و تعالیم دینی و اخلاقی

دخالت‌های خدایان در امور آدمیان، فقط مربوط به رفتارهای کینه‌توزانه، بی‌قید و لایبالی نمی‌شود، بلکه گاهی به‌منظور امداد غیبی، وضع قانون و رفتارهایی با سمت‌وسوی اخلاق اجتماعی صورت می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال می‌توان به موارد بسیاری که به «قانون میهمان‌نوازی زئوس» در *اودیسه* مشهور است، اشاره کرد (همان: ۷۷، ۱۴۶، ۲۰۹، ۳۲۵، ۳۳۵، ۳۴۰). آداب میهمان‌نوازی یکی از ارزش‌های مهم جامعه یونان در آن دوران بوده است، به‌گونه‌ای که در *سروده سیزدهم ایلیاد*، مناس (برادر آگاممنون و همسر هلن)، به‌جای نیابردن آداب میهمان‌نوازی توسط مردم تروا (به‌ویژه پاریس) را به‌عنوان یکی از علل خشم زئوس بر مردم تروا برمی‌شمارد (همو، ۱۳۹۶ الف: ۴۴۷). هومر برای خوی و خیم بشری الگوهایی را معرفی می‌کند تا زمینه درس‌آموزی و عبرت باشند، به‌طوری‌که وجود و حضور الگوهای اخلاقی در *اودیسه* بسیار محسوس است. البته قهرمان و خانواده‌اش میرا از هرگونه خطایی هستند. آنها توسط خواستگاران که مرتباً در شعر بر رفتارهای شیطانی آنان تأکید شده است، آزار دیده‌اند، به‌گونه‌ای که پس از قتل خواستگاران، هیچ خواننده‌ای دل بر آنان نسوزاند و در پایان منظومه، به‌کمک خدایان خوبی، بر شر غلبه می‌کنند. همچنین، شاعر کوشیده است این الگوی اخلاقی خویش را با تکرار داستان آگاممنون به‌عنوان یک درس عبرت و تضاد، دائماً توجیه کند؛ کلمنتسرا خائن در مقابل پنلوپ وفادار، و اورست انتقام‌گیر به‌عنوان الگویی برای تلماک.

از سوی دیگر، یکی از خُلُق‌های مهم بشری، فضیلت است که هومر در *ایلیاد* و *اودیسه* عناصر سازنده و ظهورات آن را به بیان آورده و بازمی‌نماید. به این نکته باید توجه داشت که «آرته»^(۳۰) و معادل انگلیسی آن، Virtue یا فضیلت، امروزه واژه‌ای با بار معنایی کاملاً اخلاقی است، اما «آرته» در یونان باستان، در همه امور به‌طور یکسان به‌کار می‌رود و معنای آن «برتری» است» (کیتو، ۱۳۸۷: ۲۰۸). برخی معتقدند در دنیای هومر آنچه یک انسان خوب را از انسان بد متمایز می‌کند، جایگاه اجتماعی و عملکرد شخصی اوست. از این‌رو، اهمیت مفهوم آرته از آن جهت است که فضیلت را معادل با برتری طبقاتی و نژادی و شکست را با ننگ، یکی می‌داند، هرچند این فردگرایی و اتوس طبقاتی، مانعی برای تبعیت از ارزش‌هایی همچون معونت، جوانمردی و مساعدت به جامعه نیست. عملکرد شرافت^(۳۱) یک قهرمان و ننگ^(۳۲) اغلب به انتظارات جامعه و آگاهی از آنچه ممکن است دیگران در مورد رفتار او فکر یا بگویند، بستگی دارد. تمامی این دیدگاه‌ها در پاسخ هکتور، قهرمان تروا، به همسرش، آندروماک، مشهود است:

هکتور پاسخ داد: «ای همسر گرامی، من با پریشانی‌های تو همه‌گونه انبازم، اما اگر چون مردی بزدل در کنارت بمانم و از جنگ بپرهیزم، نمی‌توانم در اندیشه سرزنش‌های مردم تروا و زنان بخشنده تروا بر خویش نلرزم. مردانگی، آیین دیگری دارد. به من آموخته‌اند که همواره

خطر را خرد بشمارم و برای پاسبانی سرافرازی آشکار پدر و آن
خویشتن، در پیشاپیش مردم تروا کارزار کنم». (هومر، ۱۳۹۶ الف: ۲۴۳)

نتیجه‌گیری

دین یونان باستان، در بدو امر آمیخته با اعتقادات اقوام ابتدایی یونان بود و عبارت بود از پرستش نیاکان - اعم از مردگان و قهرمانان - که آتشگاه، تجلی‌گاه آن است و خانواده و وضع قوانین اولیه، از جمله نتایج آن است. اما این دین خود به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها پرستش زئوس، هرا و خدایان المپ است؛ پرستشی که ریشه در پرستش عناصر طبیعی دارد. پرستش عناصر طبیعت نیز زمانی شروع شد که یونانیان نسبت به نقش و جایگاه طبیعت در زندگی خود، آگاهی پیدا کردند. این دین با گسترده شدن اجتماعات یونانی، وسعت بیشتری یافت و از محدوده خانواده‌ها و آتشگاه‌های خانوادگی خارج شد و شکل پرستش‌گاه به خود گرفت؛ به طوری که برای آن، آیین و مناسک و قربانی مخصوص در نظر گرفتند و به تدریج بر وسعت پرستش‌گاه‌های خود افزودند و آن را به صورت معبد درآوردند.

سپس دین با اسطوره ادغام گردید. در این مرحله بیش از هر چیز، از خدایانی که برای آفرینش جهان و فرمانروایی بر آن اهمیت دارند، صحبت می‌شود. /یلیاد و /ودیسه هومر را می‌توان مرحله گذر از دوره شفاهی به دوره کتبی، و از ثبت و نظام‌مند شدن اسطوره‌های یونانی که معرف دین چندخدایی است، به پایمردی ذهن و خیال اسطوره‌پرداز چکامه‌سرایی دانست که می‌کوشید به پرسش‌های انسانی که در زیست‌بوم یونان باستان سکنی گزیده است، در زمینه دین و نسبت میرندگان با جاودانان و نیز اخلاق اجتماعی و قومی، پاسخ‌هایی درخور بدهد.

روشن است که هومر دغدغه استدلال منطقی را ندارد، زیرا شاعری است که فرزند زمانه اسطوره‌ساز و خداتراشی خویش است و در مقام شاعری با ذهن کاملاً خوگرفته با اسطوره و خیال محصور در عالمی مابین برزخ (مثال) و دنیا، بیشتر درصدد ارائه توصیف و گزارشی از خدایان و قهرمانان و وقایع و اسباب و معدّات آنها، متناسب با درک و فهم و مرتبه هستی مردمان اسطوره‌گرای عصر خود، است. در چکامه‌های هومر، طبق یک نظر، در بحث از «حماسه»، ما صرفاً نه با اثر هنری مستقل، بلکه با یک نظام فرهنگی مولد روبه‌رو هستیم؛ یک دایره‌المعارف شفاهی مشتمل بر معیارهای اخلاقی و رفتار اجتماعی که هویت اجتماعی، سیاسی و فکری تمدن کلاسیک یونان و هلنیستی را تعیین می‌کند. بنا بر نظری دیگر، با وجود اینکه از قرن نوزدهم برخی از ابهامات در مورد تمدن یونانی برطرف شده است، ولی مدارک و یافته‌های جدید نمی‌توانند به‌خوبی شاهدهی همچون هومر، از آن دوران سخن بگویند، چراکه هومر تمام محتوای اشعار خود را از عصری که در آن زیسته، گرفته است. وجود عناصری همچون معابد دلفی در اشعار هومر که وجود آنها از نظر باستان‌شناسی اثبات شده است، توجه او به آیین‌های مذهبی‌ای مانند قربانی کردن برای خدایان برای کاهش خشم آنان و اجابت دعای انسان‌ها، رد شدن قربانی انسان‌ها از

سوی خدایان به دلیل هتک حرمت معابد، دخالت خدایان در امور آدمیان، تجلی خدایان در انسان‌ها و حیوانات و شمایل‌نگاری، وجود ابرمفاهیم اخلاقی همچون آرته و وضع قوانینی اخلاقی که برای اجتماع ضروری بوده است (مانند قانون میهمان‌نوازی)، حاکی از آن است که هومر، در مقام چکامه‌سرای برجسته یونان باستان، به‌خوبی به مذهب یونان باستان اشراف و آگاهی داشته است. همچنین، همان‌طور که بزرگترین محققان دینی و اندیشمندان برجسته نیز بدان اذعان دارند، اگرچه امروزه منابع مفیدتری از *ایلیاد* و *اودیسه* برای تحقیق درباره دین یونانی وجود دارد، اما نمی‌توان انکار کرد که اشعار هومر در طول قرون و اعصار، در ممالک مغرب‌زمین؛ بهترین مأخذ درباره مذهب یونانیان بوده و مجموعه خدایانی که هومر ایجاد کرده است، نمونه کامل اعتدال فکر و تناسب اندیشه است.

یادداشت‌ها

1. Marshall McLuhan (1911-1980)
2. Hómēros
3. Aeolic
4. Alcman
5. Archilochus
6. Callinus
7. Tyrtaeus
8. Sappho (c. 630 – c. 570 BC)
9. Marcus Terentius Varro (116 BC-27 BC)
10. Demons
11. Heroes
12. Hercules
13. The Glorious
14. Phoebus
15. The Shining
16. Apollo
17. He Who Drives Away Night Or Evil.
18. Muthos
19. The Origin of Fables
20. Bernard Le Bovier de Fontenelle (1657-1757)
21. Divine Myths
22. Legends
23. Paideia
24. Oikos

۲۵. در *اودیسه*، سروده ششم، به معبد آپولو در دلوس (Delos) اشاره شده است (هومر، ۱۳۹۶ب: ۱۴۴). همچنین در *سروده‌های هومر*، ابیات ۶۰-۵۱، از این همین معبد آپولو یاد شده است (Homer, 1967: 116-117). در *اودیسه* نیز در سروده هشتم، به معبد پیتو (Pytho) که نام قدیم معبد دلفی آپولو است، اشاره شده است (هومر، ۱۳۹۶ب: ۱۷۲).

۲۶. در *ایلیاد*، سروده پنجم و هفتم، ذکر شده که آپولو در پرگام (Pergam) یا برغمه، معبد دارد (همو، ۱۳۹۶الف: ۱۹۹ و ۲۴۹).

۲۷. هومر، در سروده اول *ایلیاد*، دو بار و در سروده چهاردهم، عبارت $\beta\omicron\delta\pi\iota\varsigma$ (boōpis potnia) را به‌کار برده است. ریچموند لاتیمر در ترجمه انگلیسی خود، «ox-eyed» به‌معنای «گاو چشم» را آورده است (Homer, 1967:)

298, 74-73). مارگاریت ریگولیسیو، ضمن اشاره به این عبارت در *ایلیاد*، به نقل از کوک می‌نویسد: «گاوچشم، گاوچهره، گاوشکل، ویژگی‌هایی است که از گذشته دور به هومر رسیده است و هرا، ابتدا به صورت پیش‌فرض، به‌عنوان گاو در نظر گرفته می‌شده است» (Rigoglioso, 2009: 118).

۲۸. هومر در کتاب *اودیسه* (سرودۀ اول، ششم، بیست و یکم و بیست و چهارم) لقب *γλαυκῶπις* را برای آتنا ذکر کرده است. لامباردو در ترجمۀ انگلیسی *اودیسه*، برای معادل آن، عبارت «owl-eyed» به معنای «جغدچشم» را به کار برده است (Homer, 2000: 86; 196, 511, 588).

۲۹. تمدن مینوسی (Minoan؛ ۲۰۰۰ تا ۱۴۵۰ قبل از میلاد)، غنی‌ترین و شگفت‌آورترین تمدن دنیای اژه‌ای است که تاکنون کشف شده و جزیره کرت در مرکز این تمدن باستانی قرار دارد. هومر در کتاب *نوزدهم اودیسه* از مردمان آن سرزمین با اشاره به نام پادشاه قدرتمند آنان، یعنی «مینوس» یاد کرده (هومر، ۱۳۹۶: ۴۵۵)، یا در قالب عباراتی «همچون جزیره ۱۰۰ شهری یا ۹۰ شهری» (*ایلیاد*، کتاب دوم؛ *اودیسه*، کتاب نوزدهم)، شکوه این تمدن باستانی را خاطر نشان کرده است. به‌همین دلیل، باستان‌شناسان از فرهنگ جزیره کرت غالباً به‌عنوان فرهنگ مینوسی یاد می‌کنند. از آثار به‌جای مانده از این تمدن - همچون نقوش سفالینه‌ها، کتیبه‌های مصور، پیکر تراشی‌ها و معماری‌ها - چنین برمی‌آید که آنان خدایگان بسیاری را در قالب شمایل یا بت می‌پرستیدند و امور جهان را یکسره با خدایان و ارواح مرتبط می‌دانستند. در ظروف، لوازم و پیکره‌های به‌دست آمده از معابد آنان، تصاویری از این خدایان، با پیکره ترکیبی نیمه‌انسان و حیوان را می‌توان دید. به‌باور باستان‌شناسان، تأثیر دین و فرهنگ ساکنان جزیره کرت بر فرهنگ سراسر جزایر دریای اژه و تمدن‌های هم‌جوار - به‌ویژه یونان - انکارناپذیر است؛ به‌عنوان مثال، آدامز (۲۰۱۷) و کستلدن (۲۰۰۹) در کتب خود، ضمن مقایسه خدایان مینوسی با خدایان یونانی، ادعان دارند که در منشأ و گستره وظایف و قلمرو خدایگان و حتی بعضاً در نام آنان نیز شباهت‌هایی وجود دارد. کستلدن در این‌باره به شباهت «پوتایدان» (Poteidan)، خدای آب و زلزله مینوسی، با خدای آب یونانی، یعنی پوزئیدون (Poseidon) اشاره می‌کند و معتقد است هر دو خدا ماهیت یکسانی دارند (Castleden, 2009: 129).

- 30. Aretê
- 31. Timê
- 32. Aidos

منابع

- آیسنخولوس (۱۳۹۶). *مجموعه آثار*، ترجمۀ عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.
- اوتو، والتر فریدریش (۱۳۹۶). *تئوفانیا، جانمایه دین یونان باستان*، ترجمۀ منوچهر اسدی، تهران: نشر ثالث.
- حسنی‌فر، عبدالرسول؛ چیت‌فروش، سجاد (۱۳۹۷). «نسبت ایزدان و انسان در اندیشه یونانی»، فصلنامه *تاریخ فلسفه*، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۳۳)، ۱۱۸-۱۰۳.
- دوکولانژ، فوستل (۱۳۹۷). *تمدن قدیم [یونان و روم]*، ترجمۀ نصرالله فلسفی، تهران: اساطیر.
- گاردنر، هلن (۱۳۹۰). *هنر در گذر زمان*، ترجمۀ محمدتقی فرامرزی، تهران: نگاه.
- ناس، جان بایر (۱۳۸۶). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.

- هومر (۱۳۹۶ الف). / یلید، ترجمه سعید نفیسی، تهران: پارمیس.
- (۱۳۹۶ ب). / اودیسه، ترجمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات پارمیس.
- یانگ، جولیان (۱۳۹۵). / فلسفه تراژدی، ترجمه حسن امیری آرا، تهران: ققنوس.
- یگر، ورنر (۱۳۹۳). / پایدیا، ترجمه محمدحسن لطفی، ج ۱، تهران: خوارزمی.
- Adams, E. (2017). *Cultural Identity in Minoan Crete*. Cambridge University Press.
- Castleden, R. (2009). *Minoans: life in Bronze Age Crete*. New York: Routledge.
- Dietrich, B. C. (1979). Views of Homeric Gods and Religion. *Numen*, Vol. 26, Fasc. 2, pp. 129-151.
- Ehrenberg, V. (1964). *Society and Civilization in Greece and Rome*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Ekroth, G. (2007). *Heroes and Hero-Cults, a Companion to Greek Religion*. edited by Daniel Ogden. Wiley Blackwell.
- Glover, T. R. (2006). *Progress in Religion to the Christian Ara*. London: Student Christian Movement.
- Graf, F. (2009). *Apollo*. USA: Routledge.
- Havelock, E. A. (1963). *Preface to Plato*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Homer (1967). *Iliad of Homer*. translated by Richmond Lattimore, Chicago: the University Of Chicago Press.
- (2000). *Odyssey*. translated by Stanley Lombardo. Hackett Publishing Company.
- Moran, G. (2010). *International Handbook of Inter-religious Education*. Vol. 1. Religious Education in United States Schools.
- Nagy, G. (1996). *Greek Mythology and Poetics*. Cornell University Press.
- Plato (1997) *Complete Works*. edited by John Cooper. Hackett Publishing Company.
- Post, L. A. (1939). *The Moral Pattern in Homer. Transactions and Proceedings of the American Philological Association*. Vol. 70, pp.158-190.
- Powell, B. & Morris, I. (2014). *The Greeks History, Culture, and Society*. Pearson.
- Rigoglioso, M. (2009). *The Cult of Divine Birth in Ancient Greece*. Palgrave MacMillan.
- Roisman, J. (2011). *Ancient Greece from Homer to Alexander*. translated by J. C. Yardley. Willey Blackwell.
- Sandywell, B. (2003). *The Beginnings of European Theorizing: Reflexivity in the Archaic Age*. USA: Routledge.
- Tor, S. (2017). *Mortal and Divine in Early Greek Epistemology A Study of Hesiod, Xenophanes and Parmenides*. Cambridge University Press.